هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکرنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



بدون شک ما مسلمانان به ارزش و قدرت علم و تکنالوژی و تلاش برای بدست آوردن آن معتقد هستیم اما باید تکیهٔ اساسی ما بر عقیده و ایمان باشد.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم -سال سیزدهم - شمارهٔ بیست و پنجم ۲۶ میزان ۱۳۹۳ ۲۳ ذوالحجه الحرام ۱۴۳۵ 18 October 2014

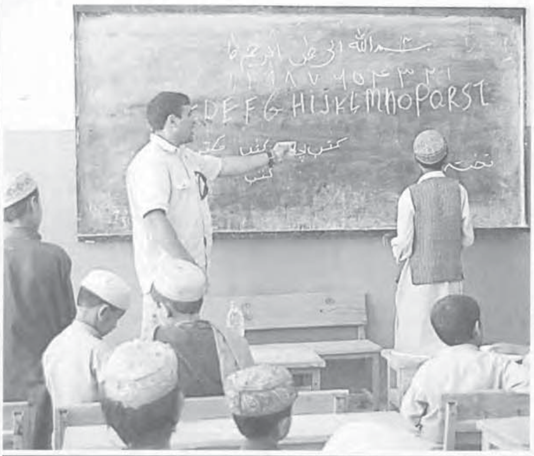
روز معلم را گرامی می داریم

□ تکساری

امسال روز معلم در شرایطی تجلیل گردید که حکومت وحدت ملی به کار خود آغاز نموده است. یکی از دست آورد های مهم رئیس جمهور سابق رشد رسانه ها و حمایت گسترده از رشد معارف و تحصیلات عالی در کشور می باشد که به یمن آن، میلیون ها شهروند این کشور در سال های گذشته توانستند مکتب بخوانند و به درجات تحصیلات عالیتری دست یابند.

نظر به مفاد قانون اساسی مکاتب خصوصی و موسسات تحصیلات عالی در کشور به وجود آمد که رشد آن بسیار سرسام آور و به دور از انتظار بوده است و یک تعداد از واجدین شرایط که نه توانستند نظر به کمبود ظرفیت های دولتی به دانشگاه ها و مکاتب دولتی راه یابند به موسسات خصوصی به تحصیلات و تعلیمات خود پرداختند.

ص۶



نوی حکومت او د ولس هیلي

□ رفیق بحر

د نړیوالې ټولنې لخوا افغانستان ته د پاملرنې وروسته دا هیله کېده چې د پخواني شوروي د ښکېلاک پر ضد خلاف څوارلس کلن سپېڅلي جهاد او بیا وروسته د کورنیو جګړو پر مهال ویجاړ شوی او کنډواله ګرځېدلی افغانستان، په مادي او معنوي توګه د نړیوالې ټولنې په مرستو ورغول شي؛ له هیواده بهر مهاجرین به په هیواد کې د امنیت په راتګ سره راستانه شي او هم به د بې شمېره مرستو په مټ په هیواد کې ښستېزې پروژې ترسره شي او هیوادوالو ته به کارونه پیدا او د کار ور خلکو ته د سپارلو له لیارې د هیواد اقتصادي وضع ډېره ژر ښه شي.

خو د کاره ښست په کېښودلو سره چې د هیواد واک یوازې په نظامي توګه څواکمنو ډلګیو ته وسپارل شو او د بلې خوا له لویدیځ څخه راغلیو افغانانو کښې هم. هغه خلک د واک ګدۍ ته ورسیدل چې د خپل بهرني تابعیت له لاسه نه ورکولو په ډاډ سره، چا پریمانه غلاګانې وکړې او له هیواد څخه وتښتیدل او چا هم د کابل بانک څخه اخیستلي پورونه بېرته واپس نه کړل او چا په اداري فساد کې ښکېلو وزیرانو سره د مافیایي کړیو په توګه د (کُچ لو کُچ دو) یادونه پرېښودل او دې ټولو په ګډه سره د هیواد د ملي شتمنیو د لوټلو سربیره د پر شخصي ملکیتونه هم لوټ کړل او تاریخي یادونه او د جهادونو څلي مو هم لکه د شیرپور د بازار په څیر، په خپلو کې وویشل شو چې د کرزي د واکمنۍ په دیارلس کلنه دوره کې د نوموړي فساد پر خلاف د تش په خولې داعیې له ټولو څرګند ثبوت پخپله د نوموړي هغه تاریخي ډرامایي نیوکه وه چې په یوه وینا کې یې ویلې وو: چې خیر دی که غلاګانې کوئ او یا په اداري فساد کې ککړ یاست خو له هیواد یې بهر مه وباسۍ او د هیواد دننه پانګونه وکړئ.

۷مخ

نقش محوری ریاست اجرائیه در حکومت وحدت ملی

نخستین نشست شورای وزیران در حکومت وحدت ملی روز دوشنبه تاریخ ۲۱ میزان به رهبری داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه برگزار شد. در این همایش سرپرست وزارتخانه ها حضور داشتند و به رئیس اجرائیه گزارش کاری شان را ارائه نمودند.

داکتر عبدالله عبدالله در نشست روز دوشنبه تأکید کرد که سرپرست وزارتخانه ها باید با کارکرد قاطع حمایت و رضایت مردم را کسب کنند. زیرا حکومت وحدت ملی، حکومت پاسخگو به مردم می باشد. رئیس اجرائیهٔ حکومت وحدت ملی گفت: ایجاد تغییرات در اوضاع افغانستان و بهبود زندگی مردم از جمله اهداف اساسی حکومت وحدت ملی می باشند.

آقای عبدالله عبدالله از وزرای سرپرست ص۵



چالش های بعد از قرارداد امنیتی

□ وحید مژده

رئیس جمهور غنی بعد از ادای سوگند در اولین اقدام خویش، پیمان امنیتی با امریکا را به امضا رسانید. قبلاً داکتر عبدالله عبدالله نیز ابراز آمادگی کرده بود که در صورت رسیدن به قدرت، این پیمان را با امریکا امضا خواهد کرد.

هرچند گفته می شد که این قرارداد میان روسای جمهور دو کشور صورت خواهد گرفت اما به نظر می رسید که امریکا خواهان امضای قرارداد در چنین سطحی با افغانستان نیست. امضای این قرارداد از جانب سفیر امریکا در کابل به این معنی است که امریکا حتی میزان تعهدات اخلاقی خود را در این قرارداد نیز به حداقل کاهش داده است.

یکی از دلایل مهمی که هواداران امضای این قرارداد عنوان



می کردند این بود که افغانستان برای مقابله با مداخلات خارجی نیازمند حمایت یک قدرت بزرگ است و در شرایط امروز جهان، کشوری چون افغانستان نمی تواند بدون چنین حمایتی با چالش های ناشی از مداخلات همسایگان مقابله نماید اما سفیر امریکا در همان آغاز کار موضع کشورش را در این زمینه روشن ساخت. وی گفت که منظور از امضای این قرارداد دفاع از سرحدات افغانستان در برابر تجاوز خارجی نیست.

اما حامدکرزی رئیس جمهور قبلی کشور به این دلیل از امضای این قرارداد سر باز زد که می گفت امریکا باید در قدم اول صلح را در افغانستان برقرار نماید و بارها تاکید نموده بود که کلید صلح افغانستان در دست امریکا و پاکستان است. بنابراین حامدکرزی بصورت تلویحی به این مسئله اشاره داشت که اگر هدف از امضای این قرارداد بمیان آمدن صلح در کشور باشد، چنین هدفی برآورده نخواهد شد.

ص۲

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کوچه اول سرک لیسه نادریه — عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

حکومت وحدت ملی، مبارزه با فساد اداری را جدی بگیرد!

[illegible] بیش از حد طی ۱۳ سال اخیر، صدای کشورها و موسسات کمک دهنده را بارها بلند ساخت و به تکرار دولت افغانستان را هشدار دادند که جلو این پدیدهٔ شوم را بگیرد و حتی هشدار به قطع کمک ها نمودند اما دولت افغانستان در محو و از بین بردن این پدیدهٔ شوم ناکام بوده است. در میان نهادهای بررسی کنندهٔ فساد در جهان، گروه «شفافیت بین الملل» که از اعتبار و اقتدار فراوان در سطح جهان برخوردار است و در ۱۸۰ کشور جهان نمایندگی دارد، همه ساله گزارشی را از جهان تهیهٔ و منتشر می کند در گزارش دو سال اخیرش، افغانستان را از ناحیهٔ فساد اداری، مفسدترین کشور در جهان خوانده بود. سال گذشته نیز افغانستان در ردهٔ اول کشورهای آلوده به فساد، در گزارش این سازمان جا داده شده بود که سروصدای کشورهای کمک کننده را بلند و انگشت انتقاد بسوی افغانستان نشانه می رفت.

در تمام نشست ها، کنفرانس های کلان داخلی و جهانی، بحث فساد بر سایر بحث ها چیره گی داشت. رئیس جمهور اسبق – آقای کرزی– بارها مبارزه با فساد اداری و حکومتداری خوب را از اولویت های کاری دولت اش اعلام و بر مبارزه با این پدیدهٔ شوم تأکید داشت و فرمان شماره (۴۵) را نیز در این مورد صادر کرد. اما در زدودن این پدیده اثری نداشت و ره بجایی نبرد.

یگانه راه فایق آمدن بر این مأمول، اصلاحات ساختاری و بنیادین و تغییرات در پُست های بلند دولتی بود، که تحقّق نیافت. اکثریت این نا بسامانی ها مشکل مدیریتی و ساختاری وانمود می شد که چالشی کلانی بود در برابر اجرات! اما دولت از جلوگیری فساد در رده های بلند، ناتوان به نظر می رسید.

حیف و میل دارایی عامه توسط افراد، انجوها و موسسات جهانی از چالش هایی عمدهٔ دیگری فرا راه دولت افغانستان بود که کسی چشم پوشی کرده نمی تواند و حتی دولت افغانستان نیز بارها صدا بلند کرده و بار کلان این ملامتی را به دوش خارجی ها حواله کرده است.

روی هر عاملی، در دوران زمامداری آقای کرزی دامن این پدیدهٔ شوم برچیده نشد، از حکومت جدید که خود نیز اعلام مبارزه با این پدیدهٔ شوم را کرده است و در امحای نا بسامانی ها قاطع بنظر می رسد، جداً می طلبیم در از بین بردن فساد اداری اقدام جدی نماید. آوردن اصلاحات و حکومتداری خوب و ریشه کن کردن فساد اداری، خواست تمام مردم متدین و دلسوز کشور ماست. فساد اداری بیش از حد باعث شد که مساعدت های کشورها و موسسات کمک دهنده به کیسهٔ تعدادی راه پیدا کند و کشور را از رشد و توسعه باز دارد. فساد اداری خیانت ملی و تهدید ملی نیز است. بی ثباتی، نا امنی، نقض قانون، غصب زمین، قاچاق مواد مخدر و ده ها نابسانی دیگر ناشی از فساد اداری می باشد.

کشوری که مدیون کمک های دیگران است، خرج اش هم سطح عوایدش نیست، و هرگاه و نا گاه طعنهٔ فساد، خیانت، کم کاری، بی ظرفیتی از جانب کمک دهند گان نثارش گردیده، اما برخی سران ادارات دولتی بدون درنظرداشت وضعیت شهروندان و فقر حاکم در جامعه، فقط به خود اندیشیدند و متوجهٔ خودپروری بوده اند. توجه نکرده اند در مقامی که توظیف شده اند جایی خدمت گزاری به مردم است، نه جای خود پروری و زر اندوزی و فساد!

هر اقدام مثبت در تحقق حاکمیت قانون امکان پذیر است، در جامعه ای که قانون تطبیق نشود، هرکی هرچی خواست به میل و خواست خود انجام دهد، کشور را از رشد و توسعه باز می دارد و پیشرفتی را که منافع عامه در نظر گرفته شود، دیده نمی شود. تطبیق قانون و ارادهٔ دولتمردان کشور است که می شود بر چالش ها فایق آییم.

برداشت داعش از دولت اسلامی

☐ **ابوبکر سبزوار**

با گذشت زمان برنامه های کاری دولت اسلامی که در عراق و سوریه درگیر جنگ است مشخص تر می شود. در افغانستان نیز تبلیغات این گروه از طریق نشراتی که در پاکستان به چاپ می رسد، به زبان های پشتو ودری پخش می شود.

برنامهٔ این گروه با برنامهٔ همه گروه های اسلامی که تاکنون در جهان بمیان آمده است متفاوت است. برنامه ای که در آن تسامح دیده نمی شود و در جامعه ای که خلافت این گروه در آن باید مستقر گردد، جامعهٔ یک دست و هم شکل است که هیچ مفکورهٔ مخالف در آن مجال تبارز ندارد.

دولت اسلامی به تدریج معتقد نیست و همینکه در یک منطقه این گروه حاکم شود، فوراً باید شریعت بصورت کامل تطبیق گردد. گروه دولت اسلامی به این باور است که ارتداد از کفر اصلی سخت تر است به همین دلیل کشتار مرتدین از نظر آنها از کافر اصلی اولی تر و ضروری تر است.

از نظر گروه دولت اسلامی در هر کشوری که قوانین اسلامی بصورت کامل نافذ نباشد آن کشور دارالکفر است. سیکولریزم با روش ها و پرچم های مختلفش مانند قومیت، وطنیت، کمونیزم، بعثیت... کفر واضح بوده و پیروانش از دایرهٔ اسلام خارج اند. با چنین تعریفی، کردها که در کشور های ترکیه، عراق، سوریه و ایران در تلاش ساختن یک کشور بر بنیاد قومیت کرد اند نیز در قطار مرتدان شامل اند.

منهج گروه دولت اسلامی بر بنیاد مسلک سلفی استوار بوده و آنگونه که خود می گویند درصدد احیای نظام اسلامی به شیوهٔ خلفای راشدین و سلف صالح در سه قرن اولیه اسلام اند. آنها خود را سلفی های جهادی می خوانند تا از سلفی های درباری فرق شوند.

چنین برداشت از دین نه تنها برای اقلیت های مذهبی مانند شیعیان می تواند بشدت نگران کننده باشد بلکه برای دولت های چون سعودی و امارات نیز یک زنگ خطر بشمار می آید. سلفی های جهادی حکام جهان اسلام را یکسره مرتد می دانند و مرزهای جغرافیائی میان کشور های اسلامی را رد می کنند.

انشعاب در صف سلفی ها و تقسیم بندی میان سلفی های جهادی و دولتی از این به بعد شکل جدی تری را بخود خواهد گرفت و هرکسی که با مفکورهٔ گروه دولت اسلامی مبنی بر از میان بردن مرزها میان کشور های اسلامی مخالفت نماید، از جانب گروه دولت اسلامی مرتد و واجب القتل خوانده خواهد شد. بنابراین ارتداد از نظر این گروه تنها به شیعیان و ایزدی ها منحصر نخواهد ماند.

با وسعت گرفتن دامنهٔ فعالیت این گروه در کشورهای افغانستان و پاکستان، این سوال مطرح است که رابطهٔ طالبان با این گروه در صورتی که دولت اسلامی بخواهد در این کشورها هم دست به فعالیت های نظامی بزند چگونه خواهد بود؟

همانگونه که می دانیم در گذشته میان القاعده و طالبان اختلاف در برداشت های این دو گروه از مذهب وجود داشت که بیشتر به اختلافات فقهی تعبیر می شد اما این اختلاف طوری نبود که موجب برخورد جدی میان آنها گردد. این تسامح و همدیگر پذیری بیشتر به تعالیم شهید عبدالله عزام در دوران جهاد هم رابطه می گرفت که از مجاهدین سلفی عرب در آن دوران خواسته بود برای جلوگیری از اختلاف در صف مسلمانان، از مطرح کردن مسایل تفرقه برانگیز خودداری ورزند وحتی در افغانستان به مذهب حنفی عمل کنند. در از میان بردن مواردی از معتقدات چون زیارت قبور، به دعوت و روشنگری با روش های نرم اکتفا نمایند تا به تدریج ذهنیت ها آمادهٔ پذیرش این دعوت گردد.

اما گروه دولت اسلامی روش تدریج در دعوت را نمی پذیرد و در هرجائی که قدم می گذارد، به تخریب زیارت گاهها اقدام می نماید و با توجه به اینکه چنین زیارت گاه ها در پاکستان فوق العاده زیاد است و مردم نیز سخت به آنها دلبسته اند، برای این گروه دشوار خواهد بود تا در چنین کشوری با چنین روش تندروانه، توفیقی در جلب حمایت مردم داشته باشد.

بنابراین کشورهای افغانستان و پاکستان می تواند بیشتر بعنوان محلی برای سربازگیری گروه دولت اسلامی برای جنگ در عراق و سوریه و احتمالاً کشور های دیگر کارآمد باشند. گفته می شود که همین اکنون تعدادی از افغان ها نیز در دو جبهه در عراق و سوریه درگیر جنگ اند؛ یک گروه به نفع دولت های دو کشور و گروهی دیگر در صف گروه دولت اسلامی. اوباما هم در بیانیه ای، به حضور گروهی به نام «خراسان» در جنگ های سوریه اشاره کرد و گفت که این گروه حتی از دولت اسلامی هم تندرو تر است.

چالش های پس از پیمان امنیتی...

در طول سه روز بعد از امضای این قرارداد، حملات راکتی بر ولایت کنر از جانب پاکستان صورت نگرفت و این مسئله ساده اندیشان را به این خیال خام انداخت که دیگر پاکستان جرئت حمله به افغانستان را ندارد اما با از سر گرفتن حملات پاکستان مشخص شد که حق با کرزی بوده است. اگر امریکا بخواهد، توان مهار کردن پاکستان را دارد اما چنین نمی خواهد.

امید دیگر نهفته در این قرارداد، کمک امریکا به مسلح ساختن نیروهای افغان به جنگ افزار های سنگین بود اما در این میان افشای یک ماجرای دیگر نیز نشان داد که امریکا با امضای این قرارداد قصد جدی برای مسلح ساختن نیروهای افغان را ندارد. سیگار یا نهاد بازرسی کمک های امریکا به افغانستان اعلام داشت که از بیست طیارهٔ باربری نظامی که امریکا از ایتالیا برای نیروهای افغان خریداری کرده بود، شانزده بال آن تخریب گردیده و به قیمت آهن کهنه بفروش رسیده است و قرار است چهار طیارهٔ دیگر نیز به عین سرنوشت مواجه گردد. قیمت مجموعی این طیارات به بیش از چهارصد میلیون دالر می رسید. گفته می شود که این طیارات کهنه و غیرقابل استفاده بوده است و به همین دلیل دولت افغانستان از گرفتن آن خودداری ورزیده بود.

قرارداد امنیتی با امریکا در شرایطی امضا گردید که افغانستان از نظر اقتصادی به مشکلات فراوان مواجه است. در حالیکه مردم به بیکاری و فقر دست به گریبان اند، کثری بودجه هم مشکل دیگری است که دولت به آن مواجه است. گفته می شد که اگر افغانستان این قرارداد را امضا نکند، شاید در ماه های آینده دولت توان پرداخت معاشات کارمندان خود را هم نداشته باشد. اما بعد از امضای قرارداد بازهم موضوع کثری بودجه بعنوان مشکلی که باید افغانستان خود آنرا حل کند، در مجلس وزراء مطرح شد.

از جانب دیگر مقامات سازمان ملل متحد اعلام داشتند که برنامهٔ کمک غذائی این سازمان به نیازمندان در افغانستان را بخاطر نداشتن بودجه قطع می کنند زیر تقاضای سازمان ملل برای برنامهٔ کمک به افغانستان به استقبال کشور های کمک دهنده مواجه نشده است. هرچند میزان این کمک چشمگیر نبود اما عدم پرداخت آن بی علاقه بودن جامعهٔ جهانی را به افغانستان نشان می دهد که این خود به معنی کاهش میزان کمک های بین المللی به افغانستان است، شاید به این دلیل که اکنون میلیون ها آواره از سوریه و عراق نیازمند کمک های عاجل تر اند.

حقیقت امر اینست که کشور های غربی اکنون به چالش های دیگری مواجه اند که مسئلهٔ افغانستان را از صدر اولویت های آنان کنار زده است؛ قیام گروهی به نام داعش که اکنون دولت اسلامی نام گرفته، توجه غرب را بسوی کشور های سوریه و عراق معطوف داشته است. قدرت این گروه برای فتح مناطق وسیعی در عراق و سوریه نشان داد که همه چیز در کنترول قدرت های بزرگ نیست. در یمن وضع نابسامان است و در لیبی جنگ میان گروه های مختلف ادامه دارد. غیر از لیبیا در بعضی از کشور های دیگر افریقائی نیز گروه های اسلامگرا دست به اسلحه برده اند.

در طول سیزده سال گذشته زمامداران افغانستان عادت کرده اند که چشم به کمک خارجی داشته باشند اما اکنون باید بپذیرند که در آینده این کمک ها به حداقل کاهش خواهد یافت. بنابراین می توان گفت که حکومت وحدت ملی در افغانستان با چالش های بسیار بیشتر از حکومت قبلی مواجه خواهد بود و برای مقابله با آن باید در همه بخش ها برنامه ریزی دقیق صورت گیرد. از آنجا که جنگ مادر همه مشکلات این کشور است، صلح باید در صدر اولویت کاری حکومت جدید قرار گیرد اما بعد از امضای قرارداد امنیتی با امریکا، طالبان هرگونه مذاکره با امریکا و دولت جدید افغانستان را رد کرده اند.

مصاحبهٔ راشد الغنوشی رهبر جنبش النهضهٔ تونس با روزنامهٔ لبنانی الاخبار

□ مترجم: ع، و از قاهره



• موازنه های قدرت در جهان عرب را چگونه می بینید، به ویژه از سوی دو کشور متنفذ همسایه این منطقه یعنی ایران و ترکیه؟

جهان عرب به سرعت به سمتی می رود که هشدارها را دریابد، بسیاری از دستورالعمل ها محاسبه ها را تغییر دادند. واقعیت این است که ترک ها و ایرانی ها حضور عمیق در جهان عرب دارند. بر مبنای اصول حسن هم جواری و همکاری و همراهی، در آینده نقش آنها در این چارچوب حفظ خواهد شد، البته به دور از درگیری ها و رقابت هایی که هر دو طرف دنبال می کنند که می توانند عواقب خطرناکی بر جهان عرب بگذارند. ما خواستار ایجاد جهان اسلامی هستیم که در آن احترام، موازنه ها، مصالح مشترک و متبادل حفظ شود و کسی بر دیگری برتری نیابد.

• در این چارچوب موضع شما در قبال «پیمان جهانی» حمله به داعش و مبارزه با تروریسم چیست؟

ما مداخله های نظامی خارجی را به هر دلیلی رد می کنیم، ما خواستار احترام به استقلال کشورها و ملت ها هستیم. مواضع دولت تونس در این زمینه کاملاً روشن بوده است. دولت تونس هر گونه دخالت پیمان جهانی در عراق و سوریه با پوشش آن چه مبارزه با «داعش» یا تروریزم نامیده می شود را رد کرده است.

• بنابر این مساله مبارزه با تروریزم یا آن چه این روزها مبارزه با داعش گفته می شود را چگونه ارزیابی می کنید؟

قبل از این که وارد بحث مبارزه با تروریزم یا داعش شویم باید در بارهٔ دلایل ظهور چنین شبکه هایی توضیح دهیم. در سوریه تر و خشک با هم می سوزند. وضعیت استبدادی این کشور کار را به این جا رسانده است. چنین فضایی سبب شده تا زمینه های ظهور شبکه های وابسته به القاعده فراهم شود. در مورد عراق نیز اجحافی در حق اهل تسنن شد. مساله ای که باعث شد تا کینه نزد اهل تسنن رشد کند و زمینه را برای ظهور آن چه شبکهٔ دولت اسلامی در عراق و شام می نامند، فراهم شود. این شبکه وانمود کرد که از اسلام سنی دفاع می کند در حالی که چنین چیزی به هیچ وجه صحیح نیست. همین مسائل سبب شد تا تروریزم ظهور کند، اما مبارزهٔ نظامی با آن امور را پیچیده تر می کند، برای همین به اعتقاد ما با راه حل امنیتی تا زمانی که با استبداد و دیکتاتوری که دلایل ایجاد تروریزم هستند، مبارزه نشود، اتفاق تازه ای رخ نخواهد داد. یعنی ما باید با دلایل ظهور تروریزم مبارزه کنیم.

• موضوعی دیگر، آیا قرار است تونس میزبان جمعی از رهبران اخوان المسلمین مصر باشد؟

تونس کشوری دموکراتیک است که در چارچوب سازمان ملل و قوانین بین المللی تلاش دارد مستقل باشد و استقلال خود را حفظ کند. با وجود این که برخی کشورهای عربی به ویژه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس این گروه را جزء سازمان های تروریستی دانسته اند اما این گروه از طرف جامعهٔ جهانی یک گروه تروریستی محسوب نمی شود. هرگونه تصمیمی در این زمینه را باید دولت تونس بگیرد و اگر مناسب بداند می تواند در چارچوب جامعهٔ جهانی چنین تصمیمی را اتخاذ کند. اما ما به عنوان حرکت النهضه از هر شخصیت اخوانی که بخواهد در تونس اقامت کند، استقبال می کنیم. برای این که تونسی ها خود در دیگر کشورهای جهان در زمان حکومت بن علی مهمان بودند. برای همین از وجود رهبران اخوان المسلمین در تونس استقبال می کنیم.

• در بارهٔ وضعیت تونس، آیا ممکن است که سرنوشت شما در قدرت به اندازه ای نامطلوب شود که در آخر از روند سیاسی بیرون بروید؟

نخیر ابداً، تجربهٔ حضور ما در حکومت در طول مدتی که گذشت واقعاً در وضعیت سختی گذشت، وضعیت سختی که تونس در آن به سر می برد. ما بار بسیار سنگینی را از حکومت سابق به ارث بردیم، ما با ملتی مواجه بودیم که تشنهٔ آزادی و توسعه و رفاه بود، در برخورد با تهدیدها با مشکل مواجه بود، برای همین حضور النهضه در حکومت بسیار سخت بود. اما این به آن معنا نیست که این مسیر غلط بوده است، ما تصور می کنیم آن چه در توان داشتیم انجام دادیم و در زمینه های مختلف به وظایف خود عمل کردیم. مسالهٔ دیگری نیز وجود دارد، مشارکت در حکومت حق ماست.

• عقب نشینی تان از قدرت را چگونه ارزیابی می کنید؟

النهضه از قدرت عقب نمی نشیند، بلکه به مصلحت تونس کوتاه می آید، ما اولویت خود را به طور ویژه به مردم داده ایم، چه در بعد ملی چه در بُعد حزبی، و اولویت خود را موفقیت در انتخاب دموکراسی قرار دادیم. برای همین کوتاه آمدن مان را به حساب نجات مسیر انتقالی کشور قلمداد می کنیم، ما در خدمت به مسیر انتقالی و تحقق وفاق ملی موفق بوده ایم، کوتاه آمدن مان پیامی محکم به دیگر طرف های سیاسی خواهد داد. ما خواهان شراکت سیاسی با ثبات هستیم، نه توافقات مغشوش برای تقسیم قدرت، یا طرح کشتار سیاسی که وحدت تونس را از بین ببرد. برای همین ما از این که قدرت را ترک کنیم، پشیمان نیستیم.

• برخی بر این اعتقادند که خودداری النهضه از معرفی نامزد انتخابات ریاست جمهوری مانور سیاسی است، حقیقت آن چیست؟

خودداری حرکت از معرفی نامزد برای انتخابات ریاست جمهوری مانور نیست، بلکه رعایت مصالح کشور و ترازوی قدرت است که می تواند به مصلحت تونس باشد، برای این که اکثریت نمی تواند و به صلاح هم نیست که همه کاره شود و حل تنها در توافق است، ما اعتقاد داریم که تونس نیاز به یک مرحلهٔ انتقالی دیگر دارد، برای این که تجربهٔ دموکراسی در کشور در حال ظهور است و نیاز به زمان بیشتری دارد.

• "اسپ سوار" حرکت النهضه در رقابت برای رسیدن به کاخ قرطاج کیست؟

حقیقت این که ما هیچ نام مشخصی در وضعیت فعلی نداریم، هیئت انتخاباتی نیز هیچ اسمی را قبل از این که نامزدها نهایی شوند، معرفی نمی کند، برای این که هر اتفاقی ممکن است بیفتد، بعد از آن که اسامی اعلام شوند ما به سمت کسی که بتواند به تونس و تونسی ها خدمت کند، حرکت خواهیم کرد، برای این که تلاش می کنیم که به کشور و خلق الله خدمت کنیم و نگذاریم که استبداد برگردد یا به سمت آشوب برویم. ما خواستار تمامیت خواهی نیستیم، ما تلاش می کنیم که مانع از تسلط یک حزب بر قدرت شویم، ما از کثرت گرایی و شراکت حمایت می کنیم.

• آیندهٔ تونس را چگونه ارزیابی می کنید؟

آیندهٔ تونس به سمت یک کشور مسلمان دموکراتیک حرکت می کند، ما بر تحقق انتقال آرام و روان دموکراسی تاکید داریم، به ویژه که جامعهٔ تونس معتدل است و هرگونه غلو و افراط را رد می کند.

• در مقابل این خوش بینی شما لیبی کشور همسایهٔ تان اوضاع خطرناکی را تجربه می کند، این وضعیت چه تأثیری بر تونس می گذارد؟

اوضاع امنیتی در تونس تا اندازهٔ بسیاری از وضعیت لیبی تأثیر می پذیرد، عکس آن هم صحیح است، در این چارچوب تلاش داریم کشور دموکراتیکی ایجاد کنیم که نمونه ای وسوسه انگیز برای همسایه های لیبیایی ما باشد و آنها را به اقتداء به چنین حکومتی ترغیب کند، می خواهیم از تعامل به گلوله به تعامل با صلح و گفت وگو و سازندگی انتقال یابیم.

• جلساتی در الجزایر برگزار می شود که شما نیز در تلاش هایی که در آن جا می شود، مشارکت دارید، سرنوشت گفت و گوهای جاری در الجزایر را چگونه ارزیابی می کنید؟

بلی ما تماس گسترده ای با همه طرف های درگیر در لیبی داریم، تلاش می کنیم نظرات را به هم نزدیک کنیم، و به زودی برگزاری جلسات آشتی ملی میان گروه های لیبیایی را اعلام می کنیم، در این چارچوب سفری به الجزایر انجام دادم و با عبدالعزیز بوتفلیقه رئیس جمهوری الجزایر و شماری از مسؤولان برای ایجاد راه حلی برای بحران لیبی دیدار کردم، از خلال آنها جلسات گفت وگو در الجزایر نیز برگزار شد، احساس کردم که الجزایری ها تمایل بسیاری دارند که گفت و گوهای شان به نتیجه برسد و آشتی میان گروه های لیبیایی تحقق یابد، در همین چارچوب از تلاش الجزایری ها حمایت می کنیم و باور داریم که می توانند به برادران لیبیایی در رسیدن به آشتی ملی کمک کنند.

کاسا ۱۰۰۰ و انتقال برق از طریق افغانستان به پاکستان

سرپرست وزارت مالیه و مشاور اقتصادی ریاست جمهوری با اسحاق دار وزیر مالیهٔ پاکستان هفتهٔ گذشته درحاشیهٔ نشست سالانهٔ بانک جهانی و صندوق وجهی پول در واشنگتن، موافقتنامهٔ پروژه انتقال برق کاسا ۱۰۰۰ از آسیای مرکزی به آسیای جنوبی میان افغانستان و پاکستان را امضاء کردند.

امضای این موافقتنامه زمینهٔ انتقال برق کشورهای آسیای مرکزی را از طریق خاک افغانستان به پاکستان مهیا می سازد و افغانستان از مدرک هرمیگاوات برق یک دالر و بیست و پنج سنت که درمجموع در بسال بین سی الی چهل میلیون دالر عاید بدست خواهد آورد.

زاخیل وال سرپرست وزارت مالیهٔ أفغانستان حین امضاء این موافقتنامه، تطبیق این پروژه را زمینهٔ خوب پیشرفت اقتصادی میان افغانستان و پاکستان خواند. وزیر مالیهٔ پاکستان نیز امضای پروژه انتقال برق کاسا را پیروزی بزرگ به هردو کشور خواند و امضای این سند را زمینه ساز توسعه و گسترش همکاری اقتصادی وانمود کرده است. این شبکه از طریق ولایات شمالی و شرقی افغانستان به طول ۵۶۰ کیلومتر از شیرخان بندر، بغلان، کابل و تورخم به پاکستان انتقال می یابد که امور ادارهٔ آن در کشورما به عهدهٔ ریاست برشنا و وزارت انرژی و آب می باشد.

هزینهٔ تطبیق این پروژه هفت میلیارد دالر تخمین شده که از سوی بانک جهانی، ادارهٔ انکشافی ایالات متحدهٔ امریکا و بانک انکشاف اسلامی تمویل می گردد که از جمله اضافه از سه صد و شانزده میلیون دالر پول سهمیهٔ دولت افغانستان که از سوی بانک جهانی به شکل کمک بلاعوض پرداخته می شود.

گفته می شود کار این پروژه در سال ۲۰۱۵ میلادی آغاز و طی سه سال اکمال خواهد شد.

په مشرتابه او انسان سازۍ کې د نبوي سيرت ونډه

دری ویشتمه برخه

ليکوال: شيخ سالم الصفار
ژباړه: اجرالدين اقبال

د مالکيت اړتيا

مالکيت اړينه اړتيا ده،چې مادي اروا پوهانو هم د انسان اړتيا ګڼلې؛خو د اسلام له نظره،مالکيت هم د نورو وزلو په څېر،د ژوند د اړتياوو د پوره کولو هومره مشروعيت لري او د شتمنۍ ګټلو لپاره زيار عبادت ګڼل شوی دی .

په روايت (وسايل : ۷باب :۲حديث)کې راغلي: ((څوک به تر هغه مړ نه شي،چې خپله روزي يې پای ته نه وي رسولې؛نو روزي له حلالو لارو لاس ته راوړئ او تقوا جامه کړئ .))

له ښکلا سره مينه

اروا پوهانو دا اړتيا د انسان د اړتياوو د لړ په پای کې راوړې . اسلام هم دې اړتيا ته د نورو اړتياوو په څېر ارزښت ورکړی او ورته لاس رسي يې عبادت ګڼلې دی.

قرآن کريم د اعراف د سورت په۳۲ آيت کې پيغمبر اکرم ته وايي: (پيغمبره!) ووايه :((چا الهي ښکلا،چې خپلو بندګانو ته يې رايستلې ده او پاکه روزي،حرامه کړې ده ؟!)) (ورته) ووايه :((دا په دنيوي ژوند کې مؤمنانو ته دي (که څه هم نور په کې برخه لري؛خو) په قيامت کې به يوازې مؤمنانو ته وي.)) په دې توګه مور (خپلې) نبني پوهانو ته ورښيو.))

پيغمبر اکرم يوه ورځ يو صحابي وراته،چې ظاهري ښکلا ته يې پام نه کاوه او ورته يې وويل: ((له الهي نعمتونو ګټه او خوند اخستل د دين يوه برخه ده.))

[وګورئ:وسايل: لومړی باب، ۵حديث، د جامو احکام]

همدارز په تېره سرچينه کې حديث دی چې:((خدای ښکلی دی او ښکلا خوښوي .))

قرآن مجيد په "نحل" سورت کې طبيعي او حيواني شتمنيو ته پر پاملرنې ټينګار کړی دی.

[ژباړن:په دې باب وګورئ: سيدقطب؛افرينش هنري قرآن]

د ودې پړاونه

ننني اروا پوهان د ودې هره پړاو د ميراثي او چاپېريالي لاملونو اغېز ګڼي،چې په دې کې يې د "داروين" او "فرويد" نظرياتو ته ډېر پام اړولی او نه ديني او اخلاقي اړخونو ته؛خو په اسلام کې د انسان د ودې ټولو پړاوونو ته پام شوی دی:

۱_ د کوروداني (ژوند ملګرې) د ټاکنې پړاو.

۲_ د څاڅکي د تړلو پړاو.

۳_ د دوه ځانی پېر.

٤_ د زېږون وخت.

٥_ د شېدو ورکولو وخت .

الف_ د کوروداني (ژوند ملګرې) ټاکنه:

اسلامي قانون،مسلمانان له خيانت کارې او تېري کوونکې کورنۍ يا ټبر سره له واده او خپلوۍ ژغورلي دي او څرګنده کړې يې ده،د چا چې په ټټه کې خيانت اغږل شوی وي؛نو پر اولاد يې هم منفي او ناوړه اغېز لري او سپارښتنه يې کړې،چې [وسايل : ۸۳ باب :٦ حديث]: ((له ايمانوالو او نيکو ښځو سره واده وکړئ؛



ځکه اصل او ريښې يې ستاسې اولاد ته هم لېږدي)) همدارز د همدې سرچينې ۳۳باب ، لومړی حديث:((د اولادونو ماماګان مو ستاسې د مېړمن په څېر وي))؛يعنې د ماماګانو ځانګړنې خورينو او خورزو ته لېږدي.

[ژباړن:دا مطلب،چې اسلام پرې هغه مهال ټينګار کړی و،نن د طبي علومو د "جنتيک" د برخې مهمه برخه ده،چې د "غالب" او "مغلوب" صفت تر عنوان لاندې پرې خورا زياتې څېړنې شوې،چې همدا د صفاتو پر لېږد ټينګار کوي.)

ب_ د څاڅکي تړل:

د اسلام دين د څاڅکي د تړلو د وخت لپاره ځانګړې سپارښتنې لري،چې د مور او ماشوم د روحي او بدني روغتيا لامل دي؛لکه په مياشتينۍ کې له نږدې والي ژغورل شوي يو،له غسل مخکې احتلام مکروه دی.له کوروالي مخکې ((بسم الله)) ويل او داسې نور...

ت_ دوه ځاني (اميندواري):

دا د انسان د ژوند مهم پړاو دی،که پکې ديني لارښوونې پلي شي؛نو د نسل د سمون لامل به شي. اسلام دې پړاو ته ساده؛خو ګټور احکام لري.د ساري په توګه: د کجورو او نشپاتي په څېر مېوې دې وخوړل شي،له خوړو مخکې دې ((بسم الله)) وويل شي او د قرآن ويلو او دعا کولو پر مهال دې لاسونه پر ګېډه کېښوول شي او......

ټ_ زېږون:

پيغمبراکرم ښځو ته سپارښتنه کړې،چې تر لنګوال وروسته کجورې وخورئ؛ځکه د شېدو له لارې پر ماشوم هم اغېز لري او ماشوم يې زغمناک وي.

حديث داسې دی: ((مېرمن،چې تر لنګوال وروسته کجورې خوري؛نو اولاد يې که هلک وي يا جلۍ،زغمناک وي.))

(وګورئ: وسايل: ۸۳ باب، ٦ حديث) په څلوېښتۍ کې يا د نفاس پر مهال،اسلام له ښځې د ديني دندو د اجرا پېتۍ پورته کړې،چې پام يې خان او ماشوم ته وي .

[ژباړن: په دې پېر کې،چې د "نفاس" دوره هم ورته ويل کېږي،هغه بدلونونه بېرته خپل عادي حالت ته راګرځي،چې د دوه ځانۍ پر مهال د مور په بدن کې راغلي وي. په لنډو تکيو وايم،چې د دوه ځانۍ په پېر کې له سره تر پښو،د بدن په ټولو غړيو کې بدلونونه راځي،چې ددې بدلونو عادي حالت ته راګرځېدل ٤٠ ورځې وخت غواړي، چې طب هم دا دوره ٤٠ ورځې ښوولې،چې لوستونکي دې د پوره پوهېدو لپاره د "نفورث او ويليامز" نسائي ولادي کتاب ولولي .)

ث_ دشيدو ورکولو وخت:

اسلام ټينګار کوي، چې مور دې هرومرو خپل ماشوم ته خپلې شيدې ورکړي او که په خپله شيدې نه لري؛نو بله ښځه دې دا کار وکړي.

پيغمبر اکرم (وسايل؛ ۸۷باب ۵ حديث) ويلي:((د مور د شيدو هومره ماشوم ته هېڅ خواړه هم غوره نه دي)) او که د ماشوم خپلې مور شيدې نه درلودې او که بله ښځه دې کار ته وګومارل شي؛نو د بلې ښځې د روح او جسم پر پاکوالي ټينګار شوی او (وسايل ۸۷ باب لومړی حديث) وايي:((پام وکړئ! چې څوک مو ماشوم ته شيدي ورکوي؛ځکه ماشوم له همدې شيدو سره وده کوي او خوانی ته رسي))

ادامه لری

از ادعای خلافت تا تحریف خلافت

راوی

بدنبال اعلام خلافت اسلامی در عراق و سوریه توسط ابوبکر البغدادی، رهبر گروه بوکوحرام در نایجیریا هم اعلام خلافت کرد. گروه بوکوحرام که از چندسال بدینسو در نایجریا بعنوان یک گروه خطرناک چریکی قدعلم کرده و در جنگ با نیروهای دولتی موفقیت های زیادی هم بدست آورده است.

این گروه از ماه اپریل در جنگ با نیروهای دولتی در شمال شرق نایجریا به پیروزی هائی دست یافته و توانسته تا مقادیر بزرگی از سلاح و مهمات را نیز از این نیروها به غنیمت بگیرد. بوکوحرام تنها سلاح به غنیمت نمی گیرد بلکه، در حملات خویش به مناطق تحت کنترول دشمن، زنان و مردان را نیز به اسارت می برد.

گروه بوکوحرام در سال ۲۰۰۲ میلادی توسط شخصی به نام محمد یوسف تاسیس شد. وی در مصاحبه ای گفته بود که من به این باور هستم که زمین ساکن بوده و ابرها هم در اثر تبخیر آب از اقیانوس ها بوجود نمی آید! او مدعی بود که این گونه باورها خلاف قرآن است!

کسی که چنین باوری دارد باید نه از تعالیم قرآن اطلاعی داشته باشد و نه هم از علوم معاصر، اما محمد یوسف چنین نبود؛ او انگلیسی را با روانی صحبت می کرد و به نظر می رسید که تحصیلات عالی دارد. چرا چنینِ شخصی که رهبر یک گروه اسلامی هم بشمار می رود، باید مبلغ تعالیمی باشد که اسلام با آن مخالف است؟

دلیل این امر را می توان در نام این گروه یافت. بوکوحرام به معنی حرام بودن تحصیلات غربی است و محمد یوسف هم می خواست تظاهر نماید که تحصیل به شیوهٔ غربی را نمی پذیرد.

این مرد در سال ۲۰۰۹ در جنگ با نیروهای دولتی به قتل رسید و ابوبکر شیکاو جانشین وی تعیین گردید. بقدرت رسیدن شیکاو موج خشونت گرائی را در نایجریا شدت بخشید. شیکاو اعلام نمود که قصد تاسیس یک حکومت اسلامی را دارد و در مناطق تحت کنترول بوکوحرام نیز قوانین سخت را نافذ نموده است. اقدامات این گروه گاهی چنان حیرت انگیز است که با گروه های دیگر تند رو اصلاً قابل مقایسه نیست. بعنوان مثال: این گروه حدود ۳۰۰ دختر دانش آموز ۱۶ تا ۱۸ سالهٔ اکثرا مسیحی را از یک مدرسهٔ شبانه روزی در شمال شرقی نیجریه ربود. ابوبکر شیکاو، رهبر این گروه پس از ربودن دختران یک پیام ویدیویی با پذیرش مسئولیت این حمله، اعلام کرد که این دختران را به بردگی گرفته و قصد دارد آنها را بفروشد. در یک ویدئوی دیگر که بوکوحرام به نمایش گذاشت این دختران را در شرایطی نشان می داد که با حجاب اسلامی در حال آموزش قرآن مجید اند.

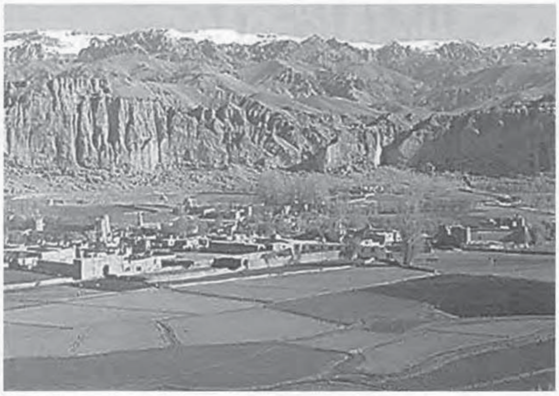
این تحولات در کشوری اتفاق می افتد که یکی از پر جمعیت ترین کشورهای قارهٔ افریقا بوده و دارای منابع قابل توجهٔ نفت است اما فساد مالی در این کشور بیداد می کند. دولتی دراین کشور بر سرکار است که دست نشاندهٔ کمپنی های نفتی است و پول نفت نیز هیچ تاثیری در بهبود وضع اقتصادی اکثریت مردم این کشور نداشته است.

غارت منابع طبیعی کشورهای افریقائی توسط غربی ها موجب شده تا در بسیاری موارد قتل عام های وحشتناک بشکل پاک سازی قومی در بعضی از کشورهای این قاره صورت گیرد. بسیاری به این باور اند که بمیان آمدن گروه های تند رو چون بوکوحرام در کشورهای اسلامی با جنایات مستقیم و غیرمستقیم غرب علیه اسلام و مسلمانان رابطه دارد.

بسیاری از مسلمانان وقتی شرایط دنیای امروز و دست نشانده بودن رهبران را در دنیای اسلام می بینند، به این نتیجه می رسند که راه حل این مشکل بریدن از غرب است. بعضی از آنان در این تصور خویش بحدی جلو می روند که حتی به انکار حقایقی چون گردش زمین می پردازند غافل از اینکه سلاحی که در دست آنان است و با استفاده از آن در صدد استقرار خلافت شده اند نیز ساخت غرب است!

مشکل دیگر این گروه ها اینست که آنها ضد غرب اند اما در این جنگ به نام اسلام و احیای خلافت، بیشترین فشارها را بر مردم خودشان تحمیل می کنند. این همان چیزی است که در نهایت به نفع غرب تمام می شود و این فشارها حتی مردمانی را که آنها هم نظر مساعدی نسبت به غرب ندارند، از روی ناچاری به دامن غرب می اندازد.

اقدامات چنین گروه ها مانند گروگان گیری زنان آنهم در زیر پوشش اسلام بغیر از اینکه اوراق زرین دوران خلافت در تاریخ اسلام را در ذهنیت ها تحریف نماید، نتیجهٔ دیگری ندارد و چنین اقدامات نه دشمنی با غرب بلکه، دشمنی با اسلام است.



بامیان پایتخت تمدنی کشور های سارک

■ هارون

کشور های سارک بامیان را به عنوان پایتخت تمدنی کشور های سارک در سال ۲۰۱۵م اعلام می کنند. بامیان تاریخ کهن و تاریخی دارد. تمدن چند هزار ساله، شهر حوادث و فاجعه و از کم انکشاف ترین شهر های افغانستان در این دورۀ دموکراسی است و از گنج های باد آوردۀ اروپا و امریکا این ولایت کمتر بهره دیده است. طوریکه جامعۀ مدنی در بامیان دو سال قبل به صورت نمادین شهر بامیان را به شکل سنتی کاه گل نمود و برای یک خر تحسین نامه خدمت گزاری به مردم بامیان اهداء نمود. در گذشته های تاریخی بامیان بزرگترین مرکز بودیزم در منطقه بوده و در حدود ۲۰۰۰_ ۲۵۰۰ سال پیش مرکز بودایی در جهان بوده است. بامیان شهر افسانویی ضحاک در شهنامه است که ۸۰۰ سال قبل به وسیلۀ چنگیز ویران گردید. یک کمربند نیایشی میان بامیان، مناطق گنده آرا، کابل و مس عینک وجود دارد که نمونه های این معابد را در بامیان، مس عینک و چکری دیده می توانیم که از نمونه های بارز آن معابد، منار چکری در خورد کابل و تندیس های بودا در بامیان می باشد. بزرگترین تندیس های بامیان در ۱۱ مارچ ۲۰۰۱م به وسیلۀ طالبان انفجار داده شد و پارچه های آن در بازار های پشاور و نمک بازار آن شهر به قیمت بلند به فروش رسانیده شد و طالبان با افتخار خود را بت شکن خطاب نمودند. سارک تلاش دارد، تا جاذبه های بامیان را به معرفی گیرد. این در حالی است که سازمان علمی و فرهنگی (یونسکو) در سال ۲۰۰۳ م بامیان را در لست میراث های مورد خطر و نابودی قرار داد. امروز بامیان از جمله ولایاتی است که کمترین زیر ساخت ها در آن وجود دارد. تعداد از مردم بامیان در مغاره های زنده گی می کنند. جریان گردش گری نظر به عوامل گوناگون در این شهر در حد نازل خویش قرار دارد. بودجۀ گردشگری و زیر ساخت های بامیان تا هنوز از سوی کشور های سارک و افغانستان مشخص نگردیده است. تا سال ۲۰۱۵م فرصت های کاری فراوانی وجود دارد که بامیان مورد بازسازی قرار گیرد و جاذبه های تاریخی آن دوباره زنده گردد. امروز برای رسیدن به بامیان در گام نخست سرک های اسفلت و امنیت منتهی به این شهر در نظر گرفته شود، سیستم آبرسانی و آب و برق می تواند به خدمات گردشگری در این ولایت کمک نماید؛ زیرا امروز در این شهر نه برق وجود دارد نه رستورانت های مدرن و امنیت که گردشگران بتوانند به این شهر رو آورند. از همه مهمتر مسیر تردد در بامیان دارای مصوونت نیست. در گام نخست مسیر منتهی به شهر بامیان باید مصئوون گردد تا دهشت افگنان در آن رخنه نه نمایند. ساختن رستورانت های مدرن، بازسازی مناطق تفریحی، مثل بند امیر، چشمۀ هژده ها و دیگران می تواند پای گردشگران را به این ولایت بکشاند و همچنان برای مردم بومی بامیان زمینه کار و اشتغال فراهم خواهد گردید و مردم دوباره قادر می گردند، تا ساخت صنایع دستی خود را از سر گیرند و این صنایع محلی را به دیگران عرضه نمایند. امروز بسیاری از مناطق تاریخی به گردشگری افغانستان در حال نابودی است، از مناره های بست تا هرات و بدخشان قابل مرمت و بازسازی می باشد، در صورتی که به این گنجینه های تاریخی افغانستان توجه صورت نگیرد ما برخی از تاریخ گذشته خود را از دست خواهیم داد زیرا تاریخ یک سرزمین، مقام و حیثیت آن سرزمین است. وقتی به تاریخ گذشته توجه صورت نگیرد مردم از گذشته های تاریخی خود جدا گردیده و یک انقطاع فرهنگی به وجود می آید. هر چند از دو تندیس بودا فقط دو حفرۀ بزرگ به جا مانده است و هیچ دستی توانمندی قادر نخواهد بود تا آن تندیس ها را به شکل آغازین اش بازسازی نماید؛ اما جای دارد که این تندیس ها به عنوان یادگار تاریخی و فرهنگی یک دوران مشخص در افغانستان به نمایش گذاشته شود.

طالبان ۱۳۱ پلچک را در مسیر کابل- قندهار تخریب کرده اند

□ اندیشه

مقامات وزارت فواید عامه گفته اند که طالبان در چند سال اخیر در شاهراه کابل، قندهار ۱۱۷ پل کوچک و ۱۴ پل بزرگ را از بین بردند.

احمد شاه وحید معاون وزارت فواید عامه در تماس با رسانه ها گفت: شاهراه کابل – قندهار از مهمترین مسیرها برای تأمین روابط اقتصادی بین ولایات افغانستان و روابط منطقوی بین افغانستان و سایر کشورهاست.

او میگوید که طالبان در این مسیر ۱۱۷ پل کوچک و چهارده پل بزرگ را با مواد منفجره منهدم کردند. به گفته وی، این اقدامات طالبان سبب به میان آمدن مشکلات زیادی شده است. آقای وحید میگوید که وزارت فواید عامه تلاش کرده تا بخشی از این پل ها را بازسازی کند، اما باز هم با تهدیدات طالبان رو به رو شده است.به گفته وی، طالبان دو کارمند شرکتی که مسوولیت بازسازی بخشی از این پل ها را به عهده گرفته بود، ربوده و خودروهای آنها را آتش زده بودند. طالبان همچنان شماری از پل های بازسازی شده را دوباره از بین بردند .مشکلاتی



که طالبان در این مسیر ایجاد کردند به تخریب پل ها خلاصه نمی شود، آنها بخشی از خیابانی را که هشت سال پیش به هزینه حدود ۶۰۰ میلیون دالر ساخته شده بود، نیز تخریب کرده اند.معاون وزارت فواید عامه می‌گوید که تانکرهایی که در مسیر این شاهراه آتش زده شده بودند و مین های کارگزاری شده در این مسیر، ۹۸ نقطه این شاهراه را تخریب کرده که باید بازسازی شود.آقای وحید می گوید که بازسازی پل‌ها و این بخش‌های خیابان، نیاز به تدابیر جدی و بودجه زیاد دارد و آنها امیدوارند که جامعۀ جهانی در تأمین این بودجه وزارت فواید عامه را کمک کند. به گفته وی، این کار نیاز به بیش از ۱۸۰ میلیون دالر دارد. به این کشور کمک کند.

هشدار گروه بین المللی بحران برای رفتن افغانستان به بحران اقتصادی

International Crisis Group
WORKING TO PREVENT CONFLICT WORLDWIDE

طبق یک خبردیگر گروه بین‌المللی بحران هشدار داده اند که اگر برای جلوگیری رفتن افغانستان به بحران اقتصادی تدابیری روی دست گرفته نشود، زمینه برای تقویت شورشگری در این کشور فراهم خواهد شد.

در گزارش تازۀ گروه بین‌المللی بحران آمده که اشرف غنی احمدزی، رئیس جمهور در موقعیتی دشوار، حکومتی را به دست گرفته که با فقدان منابع مالی رو به رو است و بیم تقویت مخالفان مسلح دولت وجود دارد.

در اعلامیۀ گروه بین‌المللی بحران همچنین آمده که اشرف غنی احمدزی و عبدالله عبدالله هرچند با تشکیل دولت وحدت ملی ثبات را برای انتقال قدرت و جلوگیری از فرسایش حکومت به میان آوردند، اما در عین حال با تشکیل این حکومت احتمال تنش های گروهی هم وجود دارد که می‌تواند برنامه اصلاحات را در معرض خطر قرار دهد.

گروه بحران تأکید کرده که تشکیل حکومت وحدت ملی در صورتی که مکانیسمی برای حل اختلافات داخلی وجود ندارد، نیازمند نقش جامعۀ جهانی به عنوان ضمانتی برای بقای این حکومت است که در صورت نیاز برای جلوگیری و حل تنش های احتمالی میانجی گری کند. گروه بین‌المللی بحران از دولت جدید می‌خواهد که کشورهای خارجی را متقاعد کند، تا میلیاردها دالر برای برآورده ساختن نیروهای نظامی افغانستان

نقش محوری ریاست اجرائیه در ...

خواست تا در جلسۀ هفتۀ آینده از برنامه های کاری شان که در حکومت پیشین عملی نشده، گزارش دهند.

عبدالله عبدالله از سرپرست وزارت مالیه نیز خواست که گزارش اش را در مورد کمبود بودجه دراین وزارتخانه تهیه نماید. چندی پیش داکتر اشرف غنی احمدزی، رئیس جمهور با صدور فرمانی اعلام کرده بود که تمام وزراء و والیان تا اعلام کابینۀ جدید به حیث سرپرست ایفای وظیفه نمایند. قرار است در هفته های آینده کابینۀ جدید حکومت وحدت ملی نیز اعلام گردد. عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه طی هفتۀ گذشته در مراکز نظامی و در روز آموزگار از یک لیسه از حومۀ شهر کابل دیدار نمود.

حکومت وحدت ملی دو هفته پیش کار خود را آغاز کرد و رئیس حکومت با صدور چند فرمان و حرکت های نمادین با حضور وزرای سرپرست کار خود را به پیش می برد.

پس از آن که به نتایج آرای مردم افغانستان دستبرد زده شد و انتخابات را دست اندرکاران آن، بدنام ساختند، با پا درمیانی امریکا و سازمان ملل متحد، طرح تشکیل حکومت وحدت ملی براساس تقسیم مساویانۀ قدرت به کار گرفته شد. اشرف غنی احمدزی رئیس جمهور و داکترعبدالله عبدالله، رئیس اجرائیه مبتنی بر توافقاتی که میان هر دو انجام یافته است، متعهد به مشارکت و همکاری در تشکیل و رهبری حکومت وحدت ملی شده اند. بر اساس موافقت نامه، ساختار حکومت وحدت ملی که آقایان احمدزی و عبدالله در پای آن امضا کرده اند، قوۀ اجرائیۀ دولت عملاً به دو بخش تقسیم می شود، کابینه را رئیس جمهور ریاست خواهد کرد و شورای وزیران، را رئیس اجرائیه.

محمد نسیم فقیری

استخبارات!!! آخر سخن راست بگو ای همه جا کج!!

گفتیم سخن از لاف ها و قهرمان سازی های دورغین آدم کشان بد نام تاریخ که از عفو عمومی رهبران جهادی صد درصد سوء استفاده کرده و به جای عزلت و انزوا گرایی و با بیان خیانت ها و تبهکاری های خویش در رکاب قشون سرخ شوروی سابق، بر خلاف، به میدان آمده و با زبان آتشین با بهره از دموکراسی عریان افغانی، شمشیر جنون آمیز را به رُخ مجاهدان خواب برده و به ثروت رسیده، کشیده و از استخبارات قوی خویش در دوران حکومت های مزدور کودتایی و به کرسی رسیده های تجاوز شوروی سابق، خیابان با شوق و افتخار یاد می کرد که گویی همه راست و درست و از واقعیت های روزگار ما بوده است!!

هرگاه کسی از پاکستان حرکت می کرد و تا داخل افغانستان همواره تحت تعقیب ما بود و استخبارات ما او را تحت نظر داشت!! که بِه چه استخباراتی؟!

من در پاکستان و در دوران مهاجرت از رادیوی کابل در رژیم نجیب که این جنرال پرافتخار!! از استخبارات قوی آن رژیم بحث می کند - به گوش خود شنیده ام که گزارش های دقیق استخباراتی را نشر می کرد. آنچه به صورت واضح و علنی وجود داشت، اختلاف در تنظیم حرکت انقلاب اسلامی تحت رهبری مولوی محمد نبی محمدی بود. حرکت انقلاب اسلامی افغانستان تحت رهبری او – حرکت انقلاب اسلامی تحت رهبری مولوی نصر الله منصور – حرکت انقلاب اسلامی تحت رهبری مولوی رفیع الله موذن و این چند دستگی را همه مهاجرین می دانستند، اما: رژیم پرتوان نجیب و استخبارات قوی او که امروز به زبان جنرال شرکت کننده در جنگ جلال آباد، بیان می گردد، چه حرف های کهنه و بی مورد و ساختگی در مورد این تنظیم، به باد می داد که گاهی آن را به تنظیم مولوی خالص و گاهی به اتحاد پیوند می داد و حرف های که گویا یک شخص کاملاً بی اطلاع و جاسوس نادان، تهیه و به استخبارات قوی آن رژیم نامدار ارسال داشته بود!!

اما درست است که سرمایه های ارسالی شوروی سابق، به مراتب بیشتر از کمک های کشورهای غربی و عربی بود که دامن برخی از قوماندان های به اصطلاح جهادی را پُر کرد و کسانی را که نه به خدا و نه به وطن علاقه داشتند، به سوی خاد کشانید و در عیش و شهوت خادیست ها غرق ساخت!

این قوماندان ها در برخی ولایات پول حاصلات زمین پرچمی ها و خلقی ها را به کابل می فرستادند از مهاجرین را به دلیل اینکه "راشن خور" هستند، ضبط و غصب می نمودند!!

درست است که استخبارات شما قوی بود!

بلی! در عیش و شراب و رقص دختران و محفل آرایی برای همچو قوماندان صاحبان خادی!

اما قدرت و توان شما در رژیم منحوس و از هم پاشیده شما اظهر من الشمس است:

آیا تره کی را مجاهدین کشته اند؟

آیا امین را مجاهدین کشته اند؟

– آیا کارمل را مجاهدین بر کنار و به مرگ دردناک رسانیده اند؟

– آیا نجیب را مجاهدین به جزای جنایات و آدمکشی های سفاکانهٔ او در ریاست خاد، به دار زده اند؟

– آیا یعقوبی وزیر خاد را مجاهدین کشته اند؟

همه این کمونیست ها و ملحدان را خود کمونیست ها کشته و تباهی را در خانهٔ خود انجام داده اند...

پس کدام استخبارات قوی؟

کدام رژیم؟ چندین فراکسیون حزبی در پرچم و چندین فراکسیون در خلق!!

– اردوی زمان داوود خان را شما از بین بردید و چند پارچه کردید و با کودتا های خلقی و پرچمی، تباه ساختند!

نظام ملیشه ای را وارد اردو ساختند و آبروی اردوی ملی را پایمال نمودید!

– نظام یک حزبی را – مانند همه نظام های یک حزبی در دنیا – به صورت جابرانه و ظالمانه برپا کردید و اولتر از همه سران کمونیست خود را به قتل رسانیدید و تا امروز با هم دست به گریبان اید!

– به حقوق بشر تجاوز کردید و ده ها هزار شهید افغان را تا هنوز آرامگاه آنان معلوم نیست و نمی دانیم در کجا کشته و زیر خاک کرده اید!

پس چه بود و هست از دست آوردهای حکومت های جابرانهٔ یک حزبی خلقی و پرچمی و فراکسیون ها و حکومت و حزب و استخبارات شما، جز شرم و ننگ ابدی تاریخ و روسیاهی ذلت بار در دنیا و آخرت! نفرین بر شما و نمک ناشناسی های شما جنایتکاران مزدور و جهنمی!

روز معلم را گرامی ...

هرچند در سال های آخیر نظر به حمایتی که رئیس جمهور اسبق از طالبان نمود، درب صد ها مکتب و دیگر مکان های تحصیلی به روی دانشجویان و دانش آموزان بسته شد. از نظر کمی معارف کشور رشد زیاد داشته است و در هر قریهٔ کشور نظر به رقابت قوماندانان و اشخاص با نفوس لیسه ها و مکاتب جدید ایجاد گردیده است، که در تعداد این مکاتب در ولایات نه درس وجود دارد و نه محتوا. در این مکاتب از معلم مسلکی و وسایل درسی خبری نیست. کمیت بزرگی از دانشجویان خود را به مرکز ولایات و مراکز ولایات نزدیک می رسانند تا یک سلسله معلومات و دانستنی ها را از طریق کورس های شخصی به دست آرند.

امروز صد لیسه و مکتب تنها به نام در ولایات وجود دارد، که باید به آن رسیده گی شود. ایجاب می کند که تعدادی از لیسه ها با هم مدغم گردند و یا در کیفیت آنها طوریکه در جهت مبارزه با فساد اداری اولین اقدام صورت گرفته است، جای دارد که به این معضل در معارف نیز پرداخته شود.

پراگنده گی در وزارت معارف به حدی محسوس است، که در هر ادارهٔ معارف وقتی سر بزنی تصویر وزیر معارف در دیوار آن تعلیق گردیده است، که این کار از خود تعبیر های مختلف دارد که اکنون به آن نمی پردازم. یک سلسله وعده های که حکومت گذشته برای معلمان کشور داده بود فقط در حد شعار باقی مانده است، مثلا: نه برای آنها در ولایات و مرکز نمرات رهایشی توزیع گردید و نه آپارتمان.

در گذشته های معمول بوده است، که هر سال رئیس دولت در روز معلم و آغاز سال تعلیمی چند شعار می داد و تمام دشواری ها را پایان یافته می انگاشت. امروز یک قسمت از معارف کشور؛ به ویژه معارف در ولایات از کیفیت تهی می باشد و کسانیکه از صنف دوازدهم فارغ می گردند تعداد شان قادر به خواندن و نوشتن نمی باشند، که این کار محلول شرایط و اوضاع اقتصادی و امنیتی می باشد. بسیاری از معلمان در مکاتب با اشتیاق بالای دروس خویش حاضر نمی گردند. یاس و نامیدی بر چهرهٔ آنها خیمه زده است.

توجه و حمایت از معلم در حقیقت حمایت از آیندهٔ فرزندان کشور می باشد. هر قدر در برابر معارف و معلمان سهل انگاری صورت گیرد به همان اندازه آیندهٔ معارف کشور و نسل جوان سست و لرزان خواهد بود. درخت تناور معارف وقتی بارور خواهد گردید، که به آن رسیده گی صورت گیرد و از گزند حوادث مصون باقی بماند.

به قول حکیم ناصر خسرو بلخی:

درخت تو گر بار دانش بگیرد
بهٔ زیر آوری چرغ نیلوفری را

آیندهٔ افغانستان به معارف سالم نیاز دارد تا کشور از انزوای علمی و تکنالوژی معاصر نجات یابد. هرچند سال طی سال های آخیر نسل جوان کشور توانسته اند علوم معاصر را فرا گیرند و به تحصیلات عالی و تخصصی دست یازند، اما این حرکت ها نظر به بالا بودن نیازمندی ها بسنده نمی باشد و بی مورد نیست که رئیس جمهور در ملاقاتی که با معارف شهر داشته است، توجه به معارف را از گام های مهم خویش به حساب می آورد و به معلمان کشور وعده می سپارد که در جهت رفع سرپناه و حیات بهتر آنها اقدام انجام می دهد. امید که حکومت وحدت ملی کارهای را که حکومت گذشته انجام نداده است به آن بپردازد و معارف را از حالت رکود و بی تفاوتی به حرکت و تپش وا دارد.

مبارزه با فساد از اولویت های کاری حکومت...

بیداد می کند. مبارزه با یک چنین پدیدهٔ منفی کار آسانی نخواهد بود، یگانه راه حل آن مبارزهٔ قاطع و جابجایی افراد ملی و خوشنام در ادارات دولتی می باشد. اگر حکومت وحدت ملی به جستجوی افراد ملی بر نیاید، در این مبارزه توفیق نخواهد یافت؛ زیرا کسانی که از فساد ملی سخن می گویند در نخستین صف آنها فساد پیشه گان، مافیای زمین و قدرت وجود دارد، آیا رئیس جمهور و رئیس اجراییه قادر خواهد بود این فساد پیشه گانی را که در جریان کمپیان های انتخاباتی با آنها همراه بوده اند، به قناعت آنها بپردازند و از آنها تضمین اخذ نمایند که کار های گذشتهٔ شان را تکرار نخواهند کرد؟

این اشخاص و افراد در شهر کابل و سایر شهر ها دارای ویلا های بزرگ، بلند منزل ها و ملکیت های فراوان در دست دارند. این ها پرسش هایی است که باید انتظار کشید تا مردم جواب پاسخ های خود را دریابند. در نخستین روز های که فرمان رئیس جمهور مبنی بر از سرگیری قضیهٔ کابل بانک آغاز گردید، دیده شد که دو تن از فساد پیشه گان به طور مرموز از کشور فرار نمودند، این ها و موارد دیگری است، که از همین حالا مقاومت در برابر اصلاحات و تحول به وجود آمده است. مبارزه با فساد از خود استراتیژی ملی و سراسری را می خواهد. با حذف جابجایی اشخاص نمی توان جلو فساد را گرفت؛ بلکه باید ریشه های آن جستجو گردیده و خشک گردد.

امروز مردم سالانه میلیارد ها افغانی رشوه می پردازند تا حقوق خود را به دست آورند. دیگر کارد به استخوان رسیده است، نه تنها مردم افغانستان؛ بلکه جامعهٔ جهانی تحمل این همه فساد گسترده را در افغانستان ندارد. جامعهٔ جهانی بر این باور است که پول مالیه دهنده گان و کمک های سخاوتمندانهٔ آنها در افغانستان حیف و میل می گردد.

امروز ده ها هزار هکتار زمین دولتی از سوی زورمندان حیف و میل گردیده و ده ها پروژهٔ بزرگ ملی نسبت فساد اداری متوقف گردیده است. مردم می خواهند به این موارد رسیده گی صورت گیرد. فساد نه تنها در زمینه های اقتصادی و کمک های بیرونی وجود دارد؛ بلکه لایه های بزرگ اجتماعی از معارف گرفته تا کوچک ترین ادارهٔ دولتی این فساد دامن گسترده است. برای حکومت وحدت ملی یک نظام لگام گسیخته و فساد پرور به ارث رسیده است، باید سال ها این حکومت تلاش نماید تا حق را از باطل و سیاه را از سفید تمیز دهد در غیر آن حکومت جدید با چالش های جدید مواجه خواهد گردید.

امروز افکار عامه و خرد جمعی از اقداماتی که رئیس جمهور روی دست گرفته است، حمایت و پشتیبانی می نمایند و جای دارد که این حمایت و پشتیبانی مردم به نا امیدی تبدیل نگردد. یک امیدواری در حکومت وحدت ملی وجود دارد که شعار این حکومت در گام نخست، حکومت داری خوب، تغییر ساختارهای گذشته و اضافی و از میان برداشتن حکومت های موازی و مبارزه با فساد می باشد. این اقدامات مردم را امیدوار ساخته است و امید بر این است که این شعارها به عمل پیاده گردد.

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○فیض

۱۹میزان:

• به گفتۀ آمرامنیت فرماندهی پولیس هلمند به رسانه ها، حوالی ساعت هشت صبح، یک حمله کنندۀ انتحاری که لباس پولیس به تن داشت، از سه محل پاسپانی فرماندهی پولیس این ولایت گذشته و در دروازۀ چهارمی هنگامی که از سوی پولیس شناسایی می شود، خود را منفجر کرده است. به گفتۀ او، در نتیجۀ این حمله، یک پولیس شهید و سه تن دیگر زخمی شده اند.

• محمد زمان مموزی فرماندۀ پولیس ولایت پروان به رسانه ها گفته است: " خواجه فاضل که ۲۲سال عمر داشت و پسر عبدالرازق آمر نظارت خانۀ فرماندهی پولیس ولایت پروان بود، ساعت هفت شب گذشته توسط یک فرد مسلح ناشناس با فیر تفنگچه در چوک چاریکار به قتل رسید."

۲۰ میزان:

• بنا به گفتۀ رئیس امنیت ملی ولایت بغلان به رسانه ها، دو فرد انتحاری که می خواستند در مربوطات شهر پلخمری به دستور قوماندان لعل ولسوال نام نهاد طالبان برای ولسوالی بغلان مرکزی حمله انتحاری را انجام دهند قبل از وقوع دو حادثۀ تروریستی با دو ثوب واسکت مملو از مواد انفجاری شناسایی و گرفتار شدند.

• بقول رسانه ها، ظهر امروز دو مهاجم مسلح که لباس پولیس برتن داشتند به مرکز قوماندانی پولیس آن ولایت در شهر مزارشریف حمله کرده با نیروهای پولیس درگیر شدند. در این درگیری هژده پولیس زخمی و دو پولیس دیگر نیز به شهادت رسیدند . سخنگوی پولیس بلخ گفته است که این دو مهاجم پس از حدود یک و نیم ساعت مقاومت از سوی نیروهای پولیس از پا در آمدند.

• به گفتۀ آمرحوزۀ اول پولیس کابل، ماین مقناطیسی در یک واسطۀ نوع ایلکس جاسازی شده بود .حادثه در ساحۀ جادۀ میوند رخ داد که تنها باعث تخریب قسمی موتر شد دراین حادثه به کسی آسیب نه رسیده است.

• قوماندان امنیۀ کنر گفته است، ۵۷ راکت از آن طرف خط دیورند بسوی ولایت کنرها پرتاب شده است این راکت ها بر بخش های از ولسوالی دانگام از سوی نظامیان پاکستانی پرتاب شده که تلفات جانی در قبال نداشته است.

• نیروهای امنیت ملی ولایت قندهار سه سازمانده حملات تروریستی را گرفتار نمودند. این افراد در مخفیگاه شان هنگامیکه قصد طراحی یک سلسله حملات تروریستی را داشتند گرفتار شدند. دفتر رسانه های قندهار گفته اند از نزد این افرادجنگ افزار و مواد انفجاری نیز بدست آمده است .این سه تن به سازماندهی ده ها رویداد تروریستی در قندهار از جمله ماین گذاری نیز متهم میباشند.

• نیروهای امنیتی با اجرا نمودن چندین فعالیت امنیتی روز گذشته در چند ولایات کشور ۵۵ طالب مسلح را کشتند. دفتر مطبوعاتی وزارت امور داخله خبرداده است، نیروهای امنیتی این فعالیت ها را در مربوطات ولایات پروان، قندز، فاریاب، جوزجان، زابل، میدان وردک، لوگر، پکتیکا، ننگرهار و هلمند راه اندازی نموده بودند که درنتیجۀ آن ۵۵ طالب مسلح کشته، ۳۵ زخمی و ۴ تن دیگر آنها از سوی نیروهای امنیتی گرفتار گردیده است.

۲۱میزان:

• باشندگان ولسوالی گلستان ولایت فراه به رسانه ها گفته اند که، از چند ماه به این سو راه های مواصلاتی این ولسوالی با مرکز فراه، از سوی طالبان مسدود شده است. طالبان مسیر راه را بسته اند، و موترهای حامل مواد خوراکی و پوشاک را توقف می دهند. به گفتۀ باشندگان ولسوالی گلستان، قیمت کالاها و مواد خوراکی به حدی بلند رفته است که، بسیاری ها توان آن را ندارند. سخنگوی سرپرست ولایت فراه این گفته ها را تایید کرده است، و از راه اندازی عملیات ویژه در این ولسوالی در آیندۀ نزدیک خبر می دهد.

• قومندانی امنیۀ کابل گفته است، در اثر حملۀ انتحاری امروز که در منطقۀ قابل بای شهر کابل رخ داد، یک فرد ملکی کشته و سه امریکایی زخمی اند. فرید افضلی رییس تحقیقات جنایی قومندانی امنیۀ کابل به خبرنگاران گفته است، این حمله توسط یک موتر مملو از مواد منفجره صورت گرفته است. صدیق صدیقی سخنگوی وزارت داخله گفته است، هدف حمله کننده یک پایگاه نظامی نیروهای خارجی در این منطقه بوده است. این حمله حوالی ساعت شش و چهل و پنج دقیقۀ صبح در سرک پل چرخی در منطقۀ قابل بای صورت گرفت.

• در اعلامیۀ وزارت دفاع ملی آمده است، در یک حملۀ انتحاری صبح امروز در ولسوالی غنی خیل ننگرهار دو فرد ملکی کشته و شش تن زخمی شده اند. که یک منسوب اردوی ملی شامل زخمی شده گان است. این حمله در نزدیک یک شفاخانه در ولسوالی غنی خیل زمانی رخداد که کاروان نیروهای امنیتی افغان از منطقه در حال عبور بوده است.

• یک انفجار در شهر قندز رخ داده است. سخنگوی قوماندانی امنیۀ قندز گفته است، این حادثه در اثر انفجار بمب مقناطیسی جابجا شده در موتر ظاهر خان زاده مشاور وزارت مالیه رخ داده است. به گفتۀ وی، به شمول این مشاور سه تن در این رویداد زخمی شده اند.

• والی ولایت سرپل اعلام کرده است که نیروهای امنیتی افغان در کمین نیروهای گروه طالبان در این ولایت گرفتار شدند که در نتیجه ۱۴ نفر از آنها کشته، ۱۷ نفر زخمی و ۶ نفر نیز به دست نیروهای مخالف دولت اسیر شدند. این کمین در مسیر راه نیروهای امنیتی که از ولسوالی کوهستانات سرپل بر می‌گشتند، در مسیر درۀ لغمان و علف سفید انجام شده است. به گفتۀ والی سرپل، این نیروها شامل سربازان ارتش و مأموران پولیس می شدند. او گفت که کمک هوایی برای این نیروها به موقع نرسید و هواپیماهای ناتو بدون اینکه موضع مخالفان را بمباران کنند با پرواز بر فراز محل حادثه دوباره به مقر خود برگشتند. او مدعی شد که در این درگیری ۲۳ نفر از نیروهای مخالف کشته و یک نفر آنان نیز زخمی شده‌است.

• ولسوال قره باغ ولایت کابل گفته است: "صبح امروز یک ماین مقناطیسی که در کنار یک مسجد در بازار مزدحم جاسازی شده بود؛ انفجار نمود." به گفتۀ وی، در نتیجه ی این انفجار، ۲۲ تن از افراد ملکی به شمول ۴ کودک زخمی شدند.

۲۲میزان:

• در اثر انفجار ماین مقناطیسی در کابل دو فرد ملکی زخم برداشتند. به گفتۀ سخنگوی وزارت امور داخله، این انفجار حوالی ساعت ۷ و چهل دقیقۀ صبح امروز در یک موتر نوع کرولا در ناحیۀ پنجم شهر کابل رخ داده است.

• سخنگوی فرماندهی پولیس بدخشان گفته است که، در پی انفجار یک سرگلولۀ مرمی شماری از کودکان در منطقۀ سنگ آب ولسوالی کشم این ولایت که در حال آتش افروزی هیزم بودند. پس از شعله ور شدن آتش، سه کودک هلاک و پنج کودک دیگر زخم برداشتند.

۲۳میزان:

• مسوولان محلی ولایت هلمند گفته اند که محمد انور خان ولسوال ناد علی این ولایت شب گذشته در یک کمین افراد مسلح کشته شد. به گفتۀ سرپرست ولایت هلمند، ولسوالی ناد علی در جریان یک گزمۀ امنیتی در این ولسوالی مورد حمله قرار گرفت. در این رویداد علاوه بر محمد انور خان یک پولیس کشته و شش تن دیگر زخمی شده اند.

• ادارۀ امنیت ملی یک عضو مهم شبکۀ حقانی را درکشور بازداشت کرد. حسیب صدیقی سخنگوی ادارۀ امنیت ملی تائید کرد که انس حقانی و حافظ رشید مسوول نظامی این گروه در ولایت خوست شب سه شنبه طی عملیات ویژۀ نیروی های امنیت ملی گرفتار شدند. انس حقانی پسر جلال الدین حقانی، برادر اندر سراج الدین حقانی است. سراج الدین حقانی درحال حاضر رهبری شبکه حقانی را به عهده دارد از انس حقانی به عنوان شخص یاد می شودکه درتصمیم گیری های مهم درکنار سراج الدین حقانی قرار داشت، ضمناً او طراح جمعاوری اعانه برای شبکۀ حقانی درکشورهای حوزۀ خلیج بوده است. گرفتاری انس حقانی میتواند ضربه محکمی به گروه حقانی باشد شبکه که عامل وقایع متعدد تروریستی پنداشته می شود وقایع که جان شماری زیادی از افغانها را گرفته است
شخص دیگر که درعملیات شب ۲۲ میزان از سوی نیروهای امنیت ملی گرفتار شد، حافظ رشید است. حافظ رشید باشندۀ اصلی ولسوالی اسمعیل خیل ولایت خوست است مگر سالها در پنجاب پاکستان زندگی کرده است ولی عملیات های نظامی و برنامه های تروریستی حقانی را درخوست رهبری می کرد او مسوول نظامی شبکۀ حقانی در ولایت خوست بود.بایدگفت که شبکه حقانی در لست سیاه تروریستان بین المللی قرارداشته و رهبر آن جلال الدین حقانی تحت پیگیرد بین المللی است و برای گرفتاری او ۲۵ ملیون دالر تعیین شده است.

•

نوی حکومت او د ولس ...

واقعیت وضع دا ده چې د ولسمشرۍ دریم خل ټاکنو پر مهال یې ټاکنیز بهیر هم د آغېز لاندې راغلی او د سیاسي فساد منار له اداري فساد څخه هم هسک شو؛ د ټاکنیزو درغلیو لامله د ټاکنو پایله هم تر شپږو میاشتو وځنډېده او بالآخره د افغان ولس هیلې نوري نا هیلۍ ته ورسېدې خو د دروستي پړاو د دواړو نوماندانو د سیاسي بصیرت په برکت چې د ملي وحدت په نوم کوم حکومت رامینځته شو نو بېرته د ولس د هیلو مراوې غوټۍ یو ځل بیا په غوړېدا شوې او د سوګند پورته کولو پر مهال د دکتور اشرف غني احمدزي مفصلې وینا، چې پکې د مقننه قوې، ستري محکمې او ډېرې دولتي ادارو په فساد کې د ښکیلتیا څخه پرده پورته شوه، نور هم ولس ډاډمن کړ. چې له همدې امله د تېرې جمعې په ورځ د ماسپښین پر مهال د آزادۍ راډیو له خپو څخه، د آزادۍ راډیو او ستاسي پیغامونو پروګرام کې د هیواد له بېلابېلو ولایتونو څخه راغلي ټول پیغامونه په لاندینیو دریو برخو مشتمل وو:

لومړۍ برخه: د نوي حکومت څخه د فساد پر خلاف د مبارزې د هوډ څخه په ملاتړ، په نوي حکومت کې د نیکو او پاکو افغانانو ګمارلو په غوښتنه او د کرزي د واکمنۍ د دورې وزیرانو او ټولو لوړ پوړو چارواکو د سختې محاسبې، پلټنې او محاکمې په غوښتنه مشتمله وه؛ چې هر پیغام په همدې څرخېده او د ملي حکومت له دواړو مقامونو (دکتور اشرف غني او دکتور عبدالله) څخه ټینګه غوښتنه کوله چې نور ناپاکې څېرې په حکومت کې ونه ساتي او بلکې هغو ته هم ډېر ځیر اوسي چې ددوی ترڅنګه په کمپاینونو کې د فعالې برخې اخیستلو په کریډت ددوی د مشورې خلک دي خو همدوی د تیر حکومت د فساد یوه غټه برخه هم وه.

دوهمه برخه: د څرخي پله او نورو زندانونو څخه د بې ګناه افغانانو په آزادولو پورې اړوند وه. چې له نوی ولسمشر څخه یې د هغه ژمنود ترسره کولو غوښتنه کوله چې نوموړي د کمپاین په وخت کې د افغان ولس سره کړې وې؛ چې ژر تر ژره به بې ګناه بندیان افغانان آزاد کړي.

او د پیغامونو دریمه برخه بیا د پوهنې وزارت په نیمګړتیاوو او نه کنترول څرخېده؛ دا پیغامونه د هیواد د جنوب لویدیځ برخو څخه ډېر وو؛ چې له مخې یې په هلمند .ارزګان، کندهار او .. ولایتونو کې ډېر داسې ښونځي او لیسې د کاغذ پر مخ شتون لري او تنخواګانې یې هم اخیستلې کیږي مګر په عملي ډګر نه دغه ښونځي او لیسې شتون لري او که چیرې شته دي هم، نو هره ورځ یې ښوونکي نه اوسي او زده کونکو ته ویلې کیږي، چې نن ورځ رخصت دی، نه پوهیږو چې دغه رخصتۍ ورځې دي او که میاشتې؟

همدارنګه دغه برخه په نوي حکومت کې د ګمارلو په اړه د کرزي د واکمنۍ د خلاګانو د ډکوالي او هغو اړخونو ته د پاملرنې په اړه وه چې ولسمشر کرزي ورته په دیارلس کلونو کې هیڅ پاملرنه نده کړې؛ لکه د مجهزو روغتونونو جوړول، څو مو ناروغان ګاونډیو هیوادونو ته د علاج لپاره تګ ته اړ نشي، او هم هغه ځمکې له غاصبینو څخه آزادول چې دولتي ځمکې دي او غاصبینو پرې ښارګوټي او خپل سوداګریز مرکزونه او یا نورې پروژې جوړې کړي دي؛ پداسې حال کې چې په پاکستان او ایران کې پناه اخستي ځمونږ هیوادوال د بې سرپناهۍ له امله نه راستنیږي او هم ځینو پیغامونو یو ځل بیا د تېرو والیانو او چارواکو د محاسبې او محکمې غوښتنه کوله.

حقیقت دادی چې د آزادي راډیو دغه خپرونه په ریښتوني معنا د ولس ستونزې منعکسوي، چې زما په آند سره ددې چې ددې راډیو دیرې سیاسي برخې د ښکیلاکګرو هیوادونو د عادت سره سم د هغو سیاسي څیرو . یا هغو خلکو لپاره د تشهیر او مطرح کیدو ډیر ښه ستیج دی چې ولس کې ریښتینې ریښې نه لري خو لویدیځ پال لید لري او تل یې په خپلو خبرو کې د بشر حقونو، د ښځو حقونو او مساوات زمزمې ملګرې اوسي او هغوي چې افغان ولس ته سپین حقایق وایې، د دوې د میلمه نوب څخه تل بې برخې وي.

خو بیا هم لکه دغه پروګرام او یا د ورکو شوو افغانانو د لټون پروګرام په څېر ځینې پروګرامونه یې افغان ولس ته د منلو وړ او د خدمت بېلګې دي.

مګر کاشکې چې پخوانې ولسشر، کابینې او چارواکو غوږونه لرلی او ځینې حوریې کم کمه د افغاني ضمیر خاوندان وای!

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار-ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ بیست و پنجم ۲۶ میزان ۱۳۹۳ ۲۳ ذوالحجه الحرام ۱۴۳۵ 18 October 2014

د غزې په بیا ودانولو کې د نړیوالو ونډه



شفیق

نږدې یوه میاشت وړاندې د هغې نا انډولې جګړې پای، د فلسطین د حماس واکمنې ډلې او غاصبو اسرائیلو تر مینځه د جګړې پداسې اوربند سره رامنځته شو، چې حماس پکې د مودو مودو راهیسې خپلې لرلې غوښتنې، په مقابل لورې ومنلې او د اسرئیلې ښکېلاک پوزه یې په خاورو کړه.

دا صحیح ده چې فلسطنیانو پدې جګړه کې ډېر زیات ځاني او مالي تلفات وګالل؛ ځکه د فلسطین لوري څخه د لویدیځو رسنیو له خولې بیان شوو ارقامو له مخې، دوه زره او دوه سوه شهیدان ورکړل؛ چې له څو کسانو سربېره نږدې ټول تلفات ملکي وګړي وو او د څلور سوو شاوخوا کې پکې یوازې کوچنیان او نږدې دوه سوه ښځې او بوډاګان وو او د غزې ټرانګه پداسې کنډواله بدله شوه چې د حماس د دفاترو سربېره د عامو فلسطینانو کورونه، ښوونځي او ان تردې چې د ملګرو ملتونو اړوند ښوونځي او کلنیکونه هم په نښه شوي وو. خو فلسطیني مېړنې ولس د صبر او زغم مظاهره وکړه او د اسرائیلي ښکېلاکګرو یرغل ته یې سر ټیټ نکړ. او د اسرائیلو لورې ته اوښتي ځاني تلفات که یوازې څلور اویا تنه وو، نو د څلورو تنو پرته نور ټول اسرائیلي عسکر وو، چې د بې وسلې فلسطني ولس پرخلاف، تر غاښونو پورې په وسلو سمبال وو؛ پداسې حال کې چې اسرائیلي ښکیلاک له څلورنیم زره څخه زیات ځلې یوازې هوایي بریدونه تر سره کړل

خو هغه مهال چې د جګړې موده پنځوس ورځو ته ورنږدې شوه، نو په وروستیو درې ورځو کې د فلسطیني ولس توغندي د اسرائیلي رژیم هغه لوړ رتبه پلاوي، چې په وزیرانو مشتمل وو، په شاوخوا کې په لویدلو سره، د اسرائیلیانو وېره نوره هم ډېره شوه او د نږدې څلورزرو په شاخوا کې پولې ته نږدې اسرائیلیانو خپل ځایونه پرېښودل. دغه کار اسرائیلی رژیم دې ته اړ کړ چې د رفح بندر له لیارې غزې ته داوو کلونو راهیسې تړل شوې یوازینی لیار پرانیزي څو غذائي توکو او نورو د اړتیا وړتوکو انتقال ته لیار خلاصه شي. او هم په لومړي ځل د غزې لپاره د یو هوایي ډګر فلسطیني لورې غوښتنه ومنل شي څو د نړې سره یې هوایي اړیکه پیدا شي، کوم کار چې که یوې خوا د سرائیلو پوزه په خاورو کړه، نو له بلې خوا د الفتح حکومت سیاست، چې تل اسرائیلو سره د نرمښت او غلامې سیاست وو، هم ناکام ثابت کړ او د محمودعباس حیثیت ته یې تر ډېره بریده صدمه ورسوله.

خو بیا هم حماس له بصیر ته کار واخست او دمصر په منځګړیتوب یې لویدیځه ټرانګه کې د محمود عباس دولت تر نظارت لاندې، غزې ته د رفح بندر لیارې څارنه ومنله او پدې ترتیب یې د مودو مودو راهیسې د غزې کلابندي ختمه او له نړې سره د تګ راتګ لیار پیدا کړه؛ کوم کار چې د فلسطینیانو ستره سوبه وه. مګر دا چې غزی ټرانګه کې د ویجاړیو او کنډواله کېدو لامله چې څومره مادي زیان د حماس ګوند حکومت ته اوښتی وو، د هغې د رغونې لپاره د حماس او الفتح ګډه واکمني رامینځته کېدل یوه اړتیا وه چې د ۵۲ ورځنې جګړې له رامینځته کېدو څخه وړاندې هم، د د دواړو (حماس او الفتح) لوریو تر مینځه یې وړاندوینه شوې وه او د اسرائیلو ښکېلاک لخوا د هوائي او ځمکني بریدونو اصلي لامل هم په همدې وړاندوینه غوسه کېدل وو. نو که له یوې خوا د غزې ټرانګې د ویجاړیو او ودانېو بیارغونې لپاره د نړیوالو لخوا پدې هکله د ژمنتیا څرګندولو کنفرانس کې د الفتح ګډون د محمود عباس لپاره د وړو یوه پوزه جوړوي او دهغه په ناکام سیاست پرده غوړوي. او هم پدې ترتیب د حماس د واک لاندې سیمې (غزې ټرانګې) د خلکو په سربښندنو کې د ده ګډون د (توري دې لالا وهي او مړې دې عبدالله وهی) مصداق ګرځي خو د حماس پراخ سینه توب هم په ګوته کوي؛ چې هیڅکله یې هم د میم زور ما لیارنده نبولی. لکه چې د الفتح او د هغې تر شا ولاړ لویدیځ یې تل پدې سیاست تورنوي.

د غزې ټرانګې دبیارغولو لپاره دایر شوي نړیوال کنفرانس کې د نړیوالو ایمان هم جوت شو، چې څوک د اسلامی ورورلی(؟) یا د انساني خوا خوږی(؟) تېګې په سینه وهلو ادعاء کې رینښتوني دي؛ دلته امریکا یوازې د دوه سوه دولس میلیونو ډالرو د مرستې په ژمنې سره خپله خوا خوږي ښایې او کویت د پیاوړي اقتصاد لرلو سره د ترکیې په اندازه یوازې د دوه سوه میلیونو مرستې ژمنه کوي او پراخه اروپایي ټولنه څلورسوه پنځوس میلیونه مرسته ژمنه کوي. خو قطر، که څه هم د تېلو چینې لری، مګر له ټولو وړوکې هیواد په توګه ده پنځه اعشاریه څلور میلیارده ژمنه سپارل شوو مرستو کې، په یوازې ځان یو میلیارد ډالر پرځان مني!!

حکومت وحدت ملی

ناباوری ها و باورها

□ فقیری

با گذشت اندک زمانی از تاسیس حکومت وحدت ملی موجی از ناباوری ها و باورها، میان مردم ما قرار گرفته است. آغاز و ادامهٔ جریان انتخابات که بیشتر از شش ماه را در بر گرفت و با عمر درازمدت دولت آقای حامد کرزی به صورت غیر قانونی ادامه یافت، این حدس و گمان ها را نیز بر انگیخت که شاید شخص رئیس جمهور قبلی در ادامهٔ افتراق و دوام جریان انتخابات، دست داشته است!

نا باوری ها: مردم کشور ما و شاید مردم جهان، برای اولین بار حکومت وحدت ملی را تجربه می کنند! حکومتی که قبل از تشکیل و فقط بر مقیاس تعهدات و پیمان ها و هم از نظر شکل و ساختمان، بسیار پیچیده و فراگیر است!

فساد دامنه دار اداری که افغانستان را در سطح دنیا درجهٔ اول داده است و حکومت آقای کرزی تا پایان عمر خود نتوانست که از عمر آن بکاهد و دامنهٔ آن را کوتاه و تنگ تر سازد، اکنون با اشتراک دو قدرت (رئیس جمهور و رئیس اجرایی) و هر کدام با گروه های ائتلافی و افراد مشهود، چگونه خواهند توانست که جلو فساد اداری را بگیرند و افغانستان را از این بد نامی بزرگ نجات بدهند؟ هنوز روشن نیست که سهم مساویانهٔ دو ائتلاف بزرگ که حکومت وحدت ملی را تشکیل داده اند، چگونه تمثیل می گردد؟

وسعت و دامنهٔ ظاهری حکومت: در گذشته یک رئیس جمهور و دو معاون او وجود داشت ولی اکنون رئیس جمهور با دو معاون، و رئیس اجرایی (معادل صدراعظم) با دو معاون، مقام ارشد دیگر نمایندهٔ فوق العادهٔ رئیس جمهوردر حکومتداری و اصلاحات نیز در کنار مقامات ارشد قرار گرفته است! روی همرفته در حال حاضر هفت بزرگ و ارشد دولتی و حکومتی وجود دارد که زمان و کارکردهای شان به ملت پاسخ ارائه خواهد کرد.

تفاوت برنامه ها و دیدگاه ها: رئیس جمهور قبلی، ظاهراً یک برنامه و یک دیدگاه داشت، برنامه و دیدگاهی که کشور را به این حال و روزگار کشانید و افغانستان را اول نمرهٔ فساد اداری در دنیا ساخت!

ولی اکنون دو تیم با دو برنامه و تعداد کثیری از دیدگاه ها (ائتلاف ها) وجود دارد و معلوم نیست که برنامه ها و دیدگاه ها، قابل عملی شدن است و یا نه؟ و یا کشور را به سوی کجا رهبری خواهند کرد؟

تفاوت دیدگاه ها نه تنها در میان هر دو تیم بلکه در میان یک تیم، نیز وجود داشته و بارها دیده شده و مردم ما شاهد اند.

پس وسعت و دامنهٔ حکومت وحدت ملی با گروه ها، احزاب و ائتلاف های گوناگون در هر دو تیم از یک سو و تفاوت برنامه ها و دیدگاه های هردوتیم و هر گروه و حزب از سوی دیگر به میزان نا باوری های مردم ما می افزاید.

باورها: اتفاق نظر هر دو تیم و مذاکرات و بغل کشی ها و دست بالا کردن های یکدیگر، هرچند با وساطت ها و توقف تبلیغات ها ودشمنی ها علیه یکدیگر، این باور را میان مردم ما تقویت می کند که این دو تیم با در نظرداشت گذشته و سابقهٔ کشور و رنج و خستگی دوامدار مردم از ادامهٔ جریان انتخابات و یاس و نا امیدی پس این بار به هوش آمده و در صدد آن اند تا آبروی وطن را و شخصیت خود را در داخل و خارج کشور حفظ نمایند. و راه دوستی و برادری را در پیش گیرند و تقسیم مساویانهٔ قدرت را عملی سازند و همان طوری که مردم در رسانه ها و عکس ها دیده اند، باهم یکدیگر را در آغوش بگیرند و راه دشوار اتحاد و اتفاق را که به خون جگر ملیون ها افغان و تلاش خیرخواهانهٔ شخصیت های بین المللی صورت گرفته، رایگان و آسان از دست ندهند و بر تعهدات و پیمان های خویش، پابند و استوار باقی بمانند.

مبارزه با فساد از اولویت های کاری حکومت وحدت ملی

□ استاد عبدالعلی کوهی / دانشگاه کابل

دوکتور اشرف غنی احمدزی در مراسم تحلیف خویش از فساد گسترده یی اداری صحبت کرد و مبارزه با آن را از اولویت های کاری خویش عنوان نمود. او گفت که فساد در همه ارگان ها وجود دارد، حتا در قضا و پارلمان کشور. او تاکید ورزید که از صلاحیت های خویش در جهت محو این پدیدهٔ منفی کار خواهد گرفت.

میراث به جا مانده از حکومت کرزی فساد گسترده یی اداری است و سازمان شفافیت بین المللی دو سال قبل افغانستان را بعد از میانمار و سومالی فاسد ترین حکومت های جهان قلمداد نمود. فساد در افغانستان، در حقیقت فساد ساختاری است، تا زمانیکه ساختار های قضایی، حقوقی و نهاد های موازی در افغانستان اصلاح و ترمیم نگردد، این حکومت قادر به محو آن نخواهد گردید. امروز فساد در همه سطوح حکومت وجود دارد و اولین اقدام رئیس جمهور، باز نمودن پروندهٔ کابل بانک است که طشت رسوایی آن از مرز های کشور نیز گذشته است.

مردم دیگر این همه فساد گسترده را نمی پذیرند و خواهان آن اند که نظام فاسد گذشته اصلاح گردیده و در نظام ساختاری آن تجدید نظر صورت گیرد. امروز رشوه در ادارات دولتی، کار شکنی و بی مبالاتی ص۶

